

چگونه ارز صادراتی به مرکز مبادلات ارزی هدایت می‌شود؟

دکتر حسن حیدری، استادیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

جوان

یکی از موضوعاتی که در روزهای اخیر در مورد مرکز مبادلات ارزی در سطح رسانه‌ها مطرح است، تلاش دولت برای هدایت ارز صادرکنندگان به مرکز مبادلات ارزی است. پرسشی که مطرح است این است که در شرایط فعلی چگونه می‌توان ارز حاصل از صادرات را که در اختیار صادرکنندگان قرار دارد، به مرکز مبادلات ارزی هدایت کرد؟

مرکز مبادلات ارزی در اوایل مهرماه سال جاری و در شرایطی راه‌اندازی شد که بازار ارز در التهاب به سر می‌برد. یکی از اهدافی راه‌اندازی این مرکز، تخصیص ارز به نیازهای واقعی و همچنین به حاشیه راندن بازار ارز غیررسمی از طریق تامین نیازهای ارزی تجارتي و مسافرتي بود. این موضوع بدان معنا بود که مرکز مبادلات ارزی قرار است به عنوان یک عرضه‌کننده قوی نیازهای مبادلاتی ارز را پاسخ دهد و از این طریق جذابیت سفته‌بازی در بازار ارز را به حداقل برساند. در چشم‌انداز بلندمدت، این مرکز در صورتی موفق عمل خواهد کرد که بتواند بر نرخ ارز در بازار آزاد تاثیر گذاشته و آن را کاهش دهد. از منظر اقتصادی این شرایط تنها زمانی اتفاق خواهد افتاد که این مرکز قادر باشد ارز کافی به بازار عرضه کند و در واقع کمبود ارزی (به معنای تقاضای اجابت نشده برای ارز) وجود نداشته یا به حداقل ممکن برسد.

پرسش اینجاست که آیا منابع ارزی دولت کفاف این میزان از عرضه را خواهد داد؟ در پاسخ به این پرسش باید دو مساله روشن شود: ۱- چه میزان تقاضا برای ارز در بازار وجود دارد؟ ۲- میزان ذخایر ارزی دولت به چه میزان است. به زبان اقتصادی، باید میزان عرضه و تقاضا در بازار مشخص شود تا بتوان به این پرسش پاسخ داد.

در خصوص میزان تقاضا باید گفت که اگر مقصود تنها تقاضای ارز برای امر تجارت و صادرات و واردات باشد، با روش‌های کمی و محاسبات معمول می‌توان برآوردی از میزان تقاضا برای ارز ارائه

نمود. اما نکته اساسی اینجاست که تعیین مرز مشخصی برای تقاضای سفته بازی ارز (که معمولاً در ادبیات رسانه‌ای به تقاضای کاذب معروف است) و تقاضای مبادلاتی ارز (یعنی تقاضا برای صادرات و واردات) مرز روشن و مشخصی وجود ندارد. از یک سو انگیزه بخشی از تقاضاهای مبادلاتی ارز در واقع برای سفته بازی است و از سوی دیگر برخی از متقاضیانی که برای نیازهای مبادلاتی به ارز نیاز دارند موفق به دریافت آن نمی‌شوند. بنابراین این گروه به هر حال به سمت بازار آزاد خواهند رفت.

در خصوص میزان عرضه ارز از سوی دولت نیز باید گفت که به هر حال ذخایر ارزی دولت محدود است، چرا که در غیر این صورت می‌توانست تمامی نیازها را بدون اولویت‌بندی در نرخ ارز مرجع ۱۲۲۶۰ ریالی اجابت کند. بنابراین افزایش نرخ ارز در مرکز مبادلات ارزی را باید نشانه‌ای از کمبود منابع ارزی (نسبت به میزان تقاضای آن) در نرخهای ارز مرجع تفسیر نمود. در این شرایط طبیعی است که دولت به دنبال هدایت سایر منابع ارزی از جمله ارز صادراتی به مرکز مبادلات ارزی باشد. اما نکته اساسی این است که تا زمانی که بین نرخ ارز مرکز مبادلات ارزی و نرخ رایج در بازار آزاد شکاف وجود دارد، به طور طبیعی کمتر صادرکننده‌ای مایل است منابع ارزی خود را به این مرکز هدایت نماید. دلیل مشخص این عدم تمایل این است که به طور طبیعی زمانی که امکان فروش منابع ارزی در قیمت بالاتر در بازار آزاد و کسب سود بیشتر وجود دارد، بسیار عقلایی است که از مرکز مبادلات ارزی استقبال نشود.

در این میان دولت می‌تواند از طریق برخی راهکارها این منابع را به سمت مرکز مبادلات ارزی هدایت کند. تجربه نشان داده است که سیاستهای دستوری و بخشنامه‌ای تنها باعث رونق بیشتر بازار آزاد خواهد شد و نتیجه معکوس خواهد داشت. لذا گزینه مناسب در این میان استفاده از سیاستهای تشویقی از یک سو و کاهش اختلاف نرخ ارز مرکز مبادلات ارزی و نرخ بازار آزاد از سوی دیگر است. واقعیت این است که اقتصاد ایران هزینه ناشی از افزایش نرخهای ارز به حدود ۳۰۰۰ تومان در بازار آزاد و بیشتر را به شکل تورم پرداخته است یا در آینده نزدیک خواهد پرداخت. لذا در این شرایط و زمانی که هزینه افزایش نرخ ارز پرداخته شده است، دولت باید از منافع آن استفاده کند. لذا به نظر می‌رسد که افزایش تدریجی نرخ ارز مرکز مبادلات ارزی و رساندن آن به نرخ بازار آزاد تنها راهکاری

است که در میان مدت و بلندمدت سبب کاهش التهاب بازار و همچنین هدایت ارز صادراتی به این مرکز می شود.

نکته مهمی که همیشه باید مد نظر سیاست گذاران اقتصادی باشد این است که در واقعیت رفتار عاملان اقتصاد مبتنی بر قیمت‌ها و نرخ‌های رایج در بازار آزاد است که عرضه و تقاضا را به تعادل می‌رساند. به بیان دیگر، عاملان اقتصادی در قیمت‌گذاری محصولات خود نرخ ارز بازار آزاد را مبنا قرار خواهند داد و در عمل هیچ راهکار موثری برای مجاب کردن آنها به قیمت‌گذاری در سایر نرخ‌ها وجود ندارد. در چنین شرایطی مشخص است که در نهایت پیامدهای اقتصادی نرخ‌های ارز حدود ۳۰۰۰ تومانی به شکل افزایش تورم، کاهش واردات و افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات داخلی محقق خواهد شد. لذا عقلایی آن است که دولت با افزایش تدریجی نرخ ارز مرکز مبادلات ارزی و رساندن آن به نرخ‌های رایج در بازار هم این شکاف را از بین ببرد، و هم اینکه انگیزه لازم را برای صادرکنندگان و سایر عرضه‌کنندگان ارز غیردولتی بوجود آورد تا منابع خود را به جای عرضه در بازار آزاد به مرکز مبادلات ارزی عرضه کنند.